



محترم ف.ا. (ویرا) گردیزی

## در سوگ وطن

گر ثروت او پرسی بیرون ز حساب اولی  
از قصر و بلند منزل یک باب و دو باب اولی  
دل بسته قدرت را چو کی وزارت به  
از بهر چنین مطلب صد گونه شتاب اولی  
صحبت ز تظلم کرد در گوش بنه پنبه  
شایسته مظلومان چشمان پر آب اولی  
پاکیزه دلان گشتند قربانی صد افسون  
در سنگر شیادان مردن به صواب اولی  
بیچاره رئیس ما مرئوس رئیسی است  
سرتابی ز حکم او در خورد عتاب اولی  
حسن چین و دستار در چیست؟ ز من بشنو  
اعمال خلاف شرع در زیر نقاب اولی  
پیران کفن بر دوش شرمی ز خدا دارید  
زوجات جوان نغز در عهد شباب اولی  
بر چاکر بی عفت شایسته بود ذلت  
هر خاین ملت را عمری چو حباب اولی  
گر عشق وطن داری در سر تو زجان و دل  
بیگانه پرستی را مردانه جواب اولی  
صحبت ز حقوق زن در مشرب شان کفر است  
فرمان نبرد گرز ن بستن به طناب اولی  
توزیع مناصب را معیار چه میباشد  
از دوست مشو غافل از قوم و تبار اولی  
(ویرا) تو نمیدانی از دمو کراس هیچ  
بستن دهن حق را با سرب مذا ب اولی